

نگرش زنان تهرانی به تغییر در آگاهی به حقوق شهروندی خود و رابطه آن با سرمایه فرهنگی

^۱ محبوبه عبدالصمدی

^۲ خدیجه سفیری

^۳ یعقوب موسوی

تاریخ وصول: ۹۷/۰۷/۰۱

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۸/۲۷

چکیده

مقاله حاضر با هدف نگرش زنان تهرانی به تغییر در آگاهی به حقوق شهروندی خود و رابطه آن با سرمایه فرهنگی انجام شد. روش تحقیق پیمایش از نوع تحلیلی می‌باشد. جامعه آماری شامل زنان بالای ۱۸ سال شهر تهران در سال ۱۳۹۵ می‌باشد که به صورت تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای از بین مناطق بیست‌و‌دو گانه شهر تهران و با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۴ نفر انتخاب شدند. ابزار اندازه‌گیری پرسشنامه محقق ساخته بود. چارچوب نظری برای سرمایه فرهنگی طبق نظریه بوردیو شامل سرمایه فرهنگی تجسد یافته - عینیت یافته و نهادینه شده می‌باشد و برای نگرش به حقوق شهروندی نیز از مدل ژانوسکی در ابعاد سیاسی و مشارکتی - مدنی - اجتماعی می‌باشد. وضعیت نگرش به حقوق شهروندی زنان ۵۵٪ و میزان سرمایه فرهنگی آن‌ها ۵۹٪ بود. نتایج حاصل از ضریب همبستگی پیرسون نشان داد؛ بین مؤلفه‌های سرمایه فرهنگی با نگرش به حقوق شهروندی رابطه متوسط و مستقیم $r=0/52$ وجود دارد ($p<0/05$). نتایج حاصل از رگرسیون چندگانه نیز نشان داد که در مجموع شاخص‌های سه‌گانه سرمایه فرهنگی به میزان ۲۷ درصد نگرش به حقوق شهروندی زنان را تبیین می‌کنند که بیش‌ترین سهم مربوط به سرمایه عینیت یافته می‌باشد.

واژگان کلیدی: نگرش به حقوق شهروندی، سرمایه فرهنگی، شهر تهران، زنان.

۱- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

kh.safiri@alzahra.ac.ir

۲- استاد گروه علوم اجتماعی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

۳- دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران.

مقدمه

شهروندی^۱ یکی از مهم‌ترین عرصه‌های سیاسی- اجتماعی است که در طول تاریخ به اشکال گوناگون و با تعابیر مختلف حقوقی، سیاسی و فلسفی رواج داشته است. شهروندی موقعیتی است که هم حق افراد را برای برخورداری از حقوق به رسمیت می‌شناسد و هم مسئولیت جمعی شهروندان را که اداره با ثبات امور بر آن‌ها مبتنی است. آشنایی با مفهوم شهروندی به‌خوبی نشان می‌دهد که این ایده در اصل به حقوق اقتصادی و سیاسی و مشارکت مربوط می‌شود و کسانی که برای پوشش حقوق اجتماعی فراسوی آن‌ها حرکت می‌کنند، فقط ارتقاء برابری را به‌منظور حمایت از یکپارچگی اقتصادی هدف قرار می‌دهند (شیانی، ۱۳۸۴). بنابراین شهروندی به یک فرد حق مشارکت در قدرت سیاسی و برخورداری از حقوق مدنی و اجتماعی را می‌دهد. «حقوق شهروندی» در تعریف خود ناظر بر حقوق فردی و رابطه فرد با دولت و دیگر شهروندان است و در برگیرنده ابعاد سیاسی، مدنی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و جنسیتی می‌شود. بنابراین در یک برداشت شهروندی موقعیتی است که به موجب آن شهروند از حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و جنسیتی برخوردار می‌شود. شهروندان به موجب قانون دارای حقوق برابر و یکسان هستند و نظام سیاسی جامعه مؤلف به تثبیت و حمایت از این حقوق و تأمین برابر آن برای تمام شهروندان فارغ از تعلقات قومی، نژادی، فرهنگی، مذهبی، جنسیتی و اقتصادی آنان است (شیانی و داودوند، ۱۳۸۹).

شهروندی علیرغم ادعای عام بودن اساساً مردانه است و زن نسبت به مرد، شهروند درجه دوم محسوب می‌شود. عدم برخورداری زنان از شهروندی کامل، تنها مربوط به کشورهای جهان سومی نمی‌شود و به‌نوعی ما شاهد حضور این مسئله در تمام نظام‌های سیاسی موجود در تمام نقاط جهان هستیم. هرچند بحث حقوق شهروندی خاص زنان نیست، ولی از آنجایی که زنان از نظر میزان دسترسی به متغیرهای مرتبط با این حقوق مانند تنوع عرصه‌های عمومی و میزان مشارکت در آن‌ها، سهمین شدن در تمامی میراث اجتماعی بهره کمتری نسبت به مردان دارند. همچنین، به‌نظر می‌رسد، زنان نه‌تنها از حقوق شهروندی کامل و برابر با مردان برخوردار نیستند، حتی آگاهی‌شان از حقوق و تکالیف شهروندی از مردان نیز کمتر است. بنابراین حقوق شهروندی به‌ویژه در خصوص زنان جنبه بین‌المللی پیدا کرده و زنان را در کشورهای کمتر توسعه‌یافته از جمله ایران، تحت تأثیر قرار داده است. زنان در شرایطی می‌توانند کارایی و بهره‌وری بالاتری داشته باشند که به حقوق شهروندی خود دسترسی داشته باشند (نوروزی و گل پرور، ۱۳۹۰). محبوبی شریعت پناهی، رکن‌الدین افتخاری، فرجیها و فلاحی (۱۳۹۸) در بررسی حقوق شهروندی اجتماعی زنان در برنامه ۵ ساله توسعه، نشان دادند با وجود اینکه میزان توجه به مقوله شهروندی اجتماعی زنان به میزان اندک می‌باشد، اما به‌لحاظ فراوانی اهداف و سیاست‌ها از روند تکاملی برخوردار است. اگرچه، برنامه‌ها از کاستی‌های ساختاری در برنامه‌ریزی یکپارچه برای تمامی حقوق

1- Citizen

نگرش زنان تهرانی به تغییر در آگاهی به حقوق شهروندی خود و رابطه آن با ...

شهروندی زنان برخوردارند؛ ابعاد اقتصادی و رفاهی بیشتر از ابعاد اجتماعی شهروندی زنان، مد نظر برنامه‌ریزان قرار گرفته است که این مسأله باید تغییر یابد. در حقیقت برای اینکه زنان ایرانی بتوانند از حقوق شهروندی خود به‌عنوان یک شهروند در جامعه بهره‌مند گردند؛ نیاز است تا اطلاعاتی از این حقوق داشته باشند.

متأسفانه آشنایی مردم اعم از زنان و مردان با حقوق شهروندی‌شان در سطح بسیار پایینی قرار دارد؛ زیرا بسترسازی و آموزش این مقوله جزو اولویت‌های برنامه‌ریزی دولت‌های به‌کار آمده در دهه‌های گذشته نبود. اما در چند سال اخیر و با شعار دستیابی مردم به حقوق شهروندی از سوی دولت یازدهم؛ توجه مردم بالأخص زنان به حقوق شهروندی‌شان جلب شد که بیشتر با هدف و سیاق سیاسی دنبال شد. در حقیقت تغییرات اجتماعی ایجاد شده در جامعه؛ زنان را به این حقوق منفعلشان آگاه کرد. اما این آگاهی برای دستیابی آن‌ها به حقوق شهروندی‌شان کافی نبود، چرا که آشنایی با واژه حقوق شهروندی بدون اینکه برای دستیابی به آن بسترسازی‌های لازم انجام گیرد؛ نمی‌تواند مثمر ثمر واقع شود. در همین زمینه لطفی، ابراهیمیان و رنجبر (۱۳۹۹) نشان دادند اگرچه تدوین و ابلاغ منشور حقوق شهروندی تحولی مثبت به‌شمار می‌رود، اما برخی موارد در تضاد کامل با قوانین هستند. عدم مکانیسم آموزش حقوق شهروندی بالأخص برای زنان، و فقدان ضمانت اجرایی لازم و توجه کمتر به حقوق زنان از مهمترین چالش‌های منشور حقوق شهروندی است.

جامعه مردسالار بر نمی‌تابد که زنان در فعالیت‌های جمعی و مشارکت‌های اجتماعی، سیاسی و مدنی حضوری پررنگ داشته باشند. در نتیجه علی‌رغم آگاهی زنان به این مقوله؛ نگرش آن‌ها نسبت به حقوق شهروندی هنوز بیگانه است. در جامعه امروزی زنان علی‌رغم دارا بودن سطح سواد و شاغل بودن در سازمان‌ها و اداره‌های دولتی و خصوصی؛ هنوز هم توسط جامعه مردسالارانه مورد بی‌توجهی قرار گرفته‌اند. در واقع هنوز زمینه‌های لازم برای دستیابی به حقوق شهروندی زنان مهیا نشده و به‌گونه‌ای مردان اصل این حق را به خود داده‌اند. نگاهی به سمت‌ها و رده‌های مهم شغلی و جنسیت آن‌ها در بخش سیاست؛ اجتماع؛ فرهنگ و اقتصاد و ... این نکته را بیش از پیش نمایان می‌کند. در همین زمینه اورتیز رودریگز و پیلای^۱ (۲۰۱۸) در مطالعه خود نشان دادند سطح تحصیلات و تأثیر آموزش‌های فرهنگی؛ نگرش آن‌ها را نسبت به کسب حقوق برابر تغییر می‌دهد. اما چگونه می‌توان با آگاه نمودن زنان و بسترسازی مناسب حقوق شهروندی آن‌ها را به ایشان یادآور شد؟ برای دستیابی به حقوق شهروندی مناسب؛ عوامل متعددی دخیل‌اند که یکی از آن‌ها مؤلفه‌های سرمایه فرهنگی^۲ می‌باشد. آشنایی با فرهنگ شهری مؤلفه‌های مهمی از سرمایه فرهنگی به‌شمار می‌آید. سهولت ارتباط با فضا و فرهنگ شهری و تعاملات افقی و عمودی با دیگر شهروندان؛ برقراری ارتباطات نهادین، انجمنی و داوطلبانه

1- Ortiz- Rodriguez & Pillai

2- Cultural Capital

کارآمد در حوزه‌ها و سطوح مختلف و احساس تعهد به مسئولیت‌های مدنی نسبت مستقیمی با آشنایی با فرهنگ شهری دارد (ذکایی، ۱۳۹۴).

موقعیت هر عامل در زمینه اجتماعی، به حجم و میزان سرمایه (اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) وی بستگی دارد، یعنی هر قدر سرمایه فرد بیشتر باشد، در فضای اجتماعی در موقعیت بالاتری قرار می‌گیرد و این خود رفتار و سبک زندگی افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد (عباس‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۲۲). اما زمانی که میان انتظارات از جامعه و رضایت از تأمین نیازها و منابع قابل دسترسی شکاف ایجاد شود، محرومیت شکل می‌گیرد و اشخاص اعتماد و پیوند خویش را به اجتماع از دست می‌دهند (پاسیون، ۱۹۸۲: ۵۱۰). بنابراین در صورت توجه به مؤلفه‌های سرمایه فرهنگی نظیر سرمایه‌های عینیت‌یافته و نهادینه‌شده؛ سبک‌های زندگی و . . . می‌تواند در حق بهره‌برداری از شاخص‌های حقوق شهروندی تأثیرگذار باشد. اما متأسفانه مدرک‌گرایی و دستیابی به مدارج علمی بالاتر در بین زنان ایرانی و بالأخص زنان تهرانی بدون توجه به نیاز واقعی خود و جامعه؛ به‌صورت چشم‌وهم‌چشمی مورد استقبال آن‌ها قرار گرفته و بدون هدفمندی به بهره‌گیری از مدارک تحصیلی بالا توسط آن‌ها در آینده؛ فقط به افزایش مدارک علمی و تحصیلیشان می‌پردازند. در چنین وضعیتی مشخص است که توجه به حقوق شهروندی و احساس دستیابی به آن در بین زنان ایرانی هنوز به‌صورت جدی مورد توجه قرار نگرفته است. در نتیجه در مقاله حاضر عمده‌ترین سؤال‌هایی که به ذهن محقق متبادر شد این بود که ۱- وضعیت نگرش زنان به حقوق شهروندی و همچنین ۲- سرمایه فرهنگی‌شان در سطح جامعه چگونه است؟ و ۳- آیا بین سرمایه فرهنگی زنان با حقوق شهروندی آن‌ها رابطه وجود دارد؟

در جهان معاصر، مفهوم شهروندی از جذابیت زیادی برخوردار بوده و تحقق آن به مهم‌ترین ملاک مشروعیت حکومت‌های دموکراتیک تبدیل گردیده است به‌طوری‌که حتی حکومت‌های غیردموکراتیک هم ادعای تأمین حقوق شهروندی را دارند (ذکایی، ۱۳۸۱: ۲۲). با تأسی به مفهوم شهروندی، شهروندان انتظار دارند که به بسیاری از حقوق که در گذشته عموماً نادیده گرفته می‌شد، دست یابند.

از این رو گفته می‌شود که، متناسب با میزان توسعه‌یافتگی، زمینه برای اعمال حقوق و تعهدات شهروندی مناسب‌تری فراهم می‌شود و شهروندان فرصت بهتری برای اعمال و همچنین توسعه پایدار کمک می‌کند. درست است که باید همه شهروندان در دسترسی و استفاده از فضاها، امکانات و خدمات شهری دارای فرصت‌ها و شرایط برابر باشند، اما محدودیت‌های دسترسی گروه‌های خاص از جمله زنان، بحث حقوق شهروندی را به میان می‌کشد. علیرغم حضور زنان ایرانی در عرصه‌های عمومی و مشارکت فعال و مؤثر به لحاظ کمی و کیفی در نظام آموزشی و تحصیلات عالی، بهداشتی و پزشکی و همچنین فعالیت‌های اقتصادی و فرهنگی؛ متأسفانه از حقوق کامل شهروندی برخوردار نیستند و در فضایی نابرابر به‌ویژه از لحاظ سیاسی، اقتصادی و حقوقی به‌سر می‌برند.

نگرش زنان تهرانی به تغییر در آگاهی به حقوق شهروندی خود و رابطه آن با ...

امروزه حقوق شهروندی به‌ویژه در خصوص زنان جنبه بین‌المللی پیدا کرده و زنان را در کشورهای کمتر توسعه‌یافته از جمله ایران تحت تأثیر قرار داده است. زنان در شرایطی می‌توانند کارایی و بهره‌وری بالاتری داشته باشند که ابتداءً به حقوق شهروندی آگاهی و سپس دسترسی پیدا کرده باشند. در نتیجه برای دستیابی به توسعه در کشور؛ شناسایی مولفه‌های حقوق شهروندی و بسترسازی برای آموزش آن‌ها به زنان یکی از مسائلی است که در حال حاضر اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده است. چنانچه در سال ۱۳۹۶ همایش بزرگ علمی حقوق شهروندی با همکاری دفتر ریاست جمهوری برگزار شد و با برگزاری چنین محافل علمی و کنگره‌های علمی و نوشتار مقاله‌های علمی - پژوهشی می‌توان به آگاهی‌رسانی به زنان درخصوص حقوق شهروندی‌شان و چگونگی بهره‌گیری از آن‌ها در زندگی اجتماعی‌شان اهتمام ورزید. اما یکی از متغیرهایی که می‌تواند در نگرش زنان به حقوق شهروندی‌شان تأثیر بگذارد؛ سرمایه فرهنگی آن‌ها می‌باشد. نتایج پژوهش وودمن^۱ (۲۰۱۷) نشان داد: یکی از مهمترین معیارهای استقرار مهاجران در مقصد و دسترسی به حقوق شهروندی اجتماعی، سطح سرمایه فرهنگی ایشان است که در درجه اول از طریق آموزش رسمی بیان می‌شود.

در دهه اخیر با دستیابی دنیا به فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی؛ گسترش علم و سطح تحصیلات افراد بالأخص زنان در جوامع افزایش بی‌رویه‌ای داشته است. چنانچه دانشگاه‌های سراسر کشور در تحصیلات آکادمیک؛ دارای دانشجویان زن بیشتری نسبت به مردان هستند. همچنین ریشه‌های فرهنگی غالب هر خانواده نیز به‌عنوان یکی از مؤلفه‌های سرمایه فرهنگی بوده و می‌تواند با نگرش زنان نسبت به حقوق شهروندی خویش در ابعاد اجتماعی - مدنی - سیاسی و ... رابطه داشته باشد. اما آیا با توجه به عدم آگاهی زنان درخصوص حقوق شهروندی‌شان در ابعاد مختلف؛ و همچنین عدم انتساب زنان به درجات بالای مدیریتی در سازمان‌های دولتی کشور علی‌رغم سطح تحصیلات و تخصص بالای آن‌ها نسبت به برخی مردان؛ می‌توان انتظار داشت که نگرش زنان به حقوق شهروندی‌شان مثبت باشد؟ با توجه به موارد ذکر شده و همچنین اهمیت توجه به مقوله شهروندی که از واژه‌های مورد توجه در دهه اخیر می‌باشد؛ مقاله حاضر جهت ارائه راهکار در جهت بالا بردن نگرش زنان نسبت به حقوق شهروندی خویش در سطح جامعه؛ بدنبال بررسی رابطه بین مؤلفه‌های سرمایه فرهنگی با حقوق شهروندی زنان می‌باشد.

یافته‌های پژوهش فرجی و فعلی (۱۳۸۹) نشان می‌دهد که میان سرمایه فرهنگی و میزان مشارکت زنان در سازمان‌های غیردولتی رابطه معناداری وجود دارد. در همین زمینه؛ واحد تحقیق و نتایج دفاع^۲ (۲۰۱۵) حاکی از تأثیر عوامل متفاوت در میزان شهروندی فعال افراد و حقوق ایشان در تمامی مناطق کشور زیمباوه بوده است. نتایج تحقیق آرون^۳ (۲۰۱۲) نشان داد که سرمایه فرهنگی به‌عنوان متغیر

1- Woodman

2- Research and Advocacy Unit

3- Arun

تأثیرگذار در زمینه دستیابی به عدالت اجتماعی و احقاق حقوق شهروندان شناسایی شده است که از جمله موارد مورد نظر حقوق بشری است که با توجه به تغییر سطح سرمایه فرهنگی جوامع، امکان دستیابی به آن آسان تر می شود. نتایج کلی این مطالعه نشان داد در واقع فردی که سطح بالایی از سرمایه فرهنگی را دارا باشد، موقعیت های اجتماعی بهتری را به دست خواهد آورد. رضاپور، گلستانی، غلامی و سعادت پور (۱۳۹۸) نشان دادند بین متغیرهای حقوق اجتماعی و مشارکت اجتماعی با متغیر آگاهی از حقوق شهروندی رابطه معنی داری وجود دارد.

نتایج مطالعه زارع و روغنیان (۱۳۹۶) در بررسی نقش سرمایه فرهنگی بر فرهنگ حقوق شهروندی حاکی از آن بود که سرمایه فرهنگی تجسم یافته و عینیت یافته نقش مؤثری بر میزان فرهنگ حقوق شهروندی زنان داشته اند. در همین رابطه ترامونت و ویلیمز^۱ (۲۰۰۹) نشان دادند که شهروندانی که سرمایه فرهنگی بیشتری داشته باشند، از حقوق شهروندی خود بدرستی آگاهی داشته، دارای برنامه ریزی دقیق تری بوده و نیز به فرزندان خود کمک بیشتری خواهند نمود تا عملکرد تحصیلی بهتری داشته باشند. جیناوت^۲ (۲۰۰۳) در مطالعه خود نشان داد که فواید همگانی در به کارگیری سرمایه فرهنگی در جامعه وجود دارد که این فواید منجر به ایجاد انسجام اجتماعی فراگیر می گردند. شیانی (۱۳۸۱) نیز نتیجه گرفته است که حقوق و وظایف، عناصر اصلی تشکیل دهنده شهروندی هستند که جذابیت عام دارند. این حقوق و وظایف در ابعاد مدنی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی قابل شناسایی است. نتایج تحقیقات داخلی و خارجی مرتبط با موضوع تحقیق نشان می دهند که وجود سرمایه های فرهنگی نظیر سطح تحصیلات بالاتر و سمت های شغلی می تواند در نگرش افراد به حقوق شهروندی تأثیرگذار باشد. در نتیجه با توجه به نتایج این تحقیقات و موقعیت شهر تهران برای زنان تحصیل کرده به دنبال رابطه بین سرمایه فرهنگی و نگرش زنان به حقوق شهروندی آن ها می باشد.

از نظر بوردیو^۳، سرمایه فرهنگی فهم نظام قشر بندی اجتماعی و چگونگی حفظ آن را ممکن می سازد و منبعی برای نگرش، انتخاب اجتماعی و منبعی برای قدرت است که به صورت نامحسوس در موقعیت طبقاتی فرد نهفته است (یزدخواستی، حاجیلو و علیزاده اقدم، ۱۳۹۲). وی سرمایه فرهنگی را به مثابه دانشی می داند که افراد را قادر به تفسیر کدهای فرهنگی گوناگون می کند. با این حال، برخی آن را با طبقات مسلط، مرتبط می دانند و برخی آن را با زبان در پیوند می یابند. نهایتاً اینکه، سرمایه فرهنگی ناظر بر این ادعاست که شخص بر اساس منش برتر فرهنگی جامعه، جامعه پذیر می شود (بایگانی و کاظمی، ۱۳۸۹: ۸).

از نظر بوردیو سرمایه فرهنگی می تواند به سه حالت وجود داشته باشد:

1- Tramonte & Willms
2- Jeannotte
3- Bourdieu

نگرش زنان تهرانی به تغییر در آگاهی به حقوق شهروندی خود و رابطه آن با ...

سرمایه فرهنگی تجسد یافته^۱: این سرمایه با شخصی که در آن تجسم می‌یابد، ارتباط نزدیک دارد. در واقع، نوعی ثروت بیرونی است که به‌عنوان بخش جدایی‌ناپذیری از فرد درآمده است. این همان بخشی است که بورديو آن را بعد سرمایه فرهنگی همراه با تولد می‌نامد که نمی‌توان آن را از راه هدیه، خرید و یا مبادله به دیگری منتقل کرد. این نوع سرمایه، به‌صورت آمادگی مداوم ذهن و جسم تجلی می‌یابد (شارع‌پور و خوشفر، ۱۳۸۱: ۱۳۷). این بعد از سرمایه فرهنگی، توانایی بالقوه‌ای دارد که به‌تدریج، بخشی از وجود فرد شده و در او به تثبیت رسیده است که می‌تواند با سرمایه‌گذاری زمان، در شکل‌گیری یادگیری افزایش یابد. این سرمایه در فرد عجین و از اجزای او می‌شود، بنابراین، نمی‌تواند به‌طور آبی انتقال یابد (نوغانی، ۱۳۸۳: ۱۳۷).

سرمایه فرهنگی عینیت یافته^۲: این بعد از سرمایه فرهنگی که بیشتر در کالاها و اشیاء مادی تجسم می‌یابد، از بدیهی‌ترین و آشکارترین نوع ابعاد سرمایه فرهنگی است که افراد جامعه می‌توانند از آن بهره‌مند شوند. از ویژگی‌های بارز آن، قابل انتقال بودن آن است. به‌طور خلاصه، به تمامی اشیاء و کالاهای فرهنگی، سرمایه فرهنگی عینی می‌گویند. اما، خصلت اساسی این سرمایه در این است که اثر آموزشی بر دارندگان آن می‌گذارد (شارع‌پور و خوشفر، ۱۳۸۱: ۱۳۷).

سرمایه فرهنگی نهادینه شده^۳: لازمه این نوع سرمایه، وجود افراد با صلاحیت و مستعد در جهت کسب انواع مدارک تحصیلی و دانشگاهی است. از طرف دیگر، وجود نهادهای رسمی است که این مدارک تحصیلی را صادر و به آن رسمیت بخشند. از ویژگی‌های بارز این سرمایه، این است که به شکل پلی میان اقتصاد و فرهنگ عمل می‌کند و این توانایی را دارد که سرمایه فرهنگی را از راه کاربرد آن به طریق معقول و رسمی، به نوعی سرمایه اقتصادی تبدیل نماید. سرمایه فرهنگی نهادینه شده، با قانون و مقررات نهادینه شده، حاصل می‌شود و برای دارنده آن پایگاه اجتماعی ایجاد می‌کند. این بعد از سرمایه فرهنگی، به کمک ضوابط اجتماعی و به‌دست آوردن عنوان‌هایی مانند: مدارک تحصیلی، تصدیق حرفه و کار برای افراد دارنده آن کسب موقعیت می‌کند. این سرمایه، قابل انتقال و واگذاری نمی‌باشد و به‌دست آوردن آن برای افراد، به شرایط معینی بستگی دارد (نوغانی، ۱۳۸۳: ۱۳۷).

در نظریه سرمایه فرهنگی بورديو، مالکیت سرمایه فرهنگی به فرد اجازه می‌دهد در حوزه تولید فرهنگی اعمال کنترل نماید. با وجود این، سرمایه فرهنگی نمی‌تواند آن را به دیگران منتقل کند و باید در فرایند تولید آن را مورد استفاده قرار دهد (نیازی و کارکنان، ۱۳۸۶). به نظر بورديو، انتخاب راهکارهای سرمایه‌گذاری فرهنگی مناسب در خانواده، نقش مهمی در فراگیری بهتر آموزش و اندوخته‌های افراد دارد. به عقیده وی از بعضی جهات، سرمایه فرهنگی بهترین و مؤثرترین روش انتقال سرمایه موروثی است، زیرا تا حد زیادی به‌صورت عینی انجام گرفته و بنابراین از کنترل کمتری برخوردار است. همین‌طور

1- Embodied State
2- Objectified State
3- Institutionalized State

از نظر بوردیو، مالکیت سرمایه فرهنگی تنها از سرمایه مادی حکایت نمی‌کند، بلکه سرمایه فرهنگی ناشی از شرایط خانوادگی یا تحصیلی، تا حدی از سرمایه اقتصادی مستقل عمل می‌کند. سرمایه فرهنگی حتی کمبود پول را به‌عنوان قسمتی از راهکار فرد یا گروه برای تعقیب قدرت و جایگاه اجتماعی جبران می‌کند (سعادت، عباس‌زاده و حاتمی، ۱۳۹۲).

سرمایه فرهنگی قابلیت توانایی و مهارت‌هایی است که یک فرد برای حفظ شرایط موجود طبقاتی و کسب موقعیت‌های جدید از آن بهره‌مند می‌گردد. تولید این سرمایه در حوزه فردی مستلزم آموزش خانوادگی و یا آموزش هدفمند نظام آموزشی کشوری است. امروزه؛ در رقابت‌های استراتژیک جهانی آن چه در موازنه‌های قدرتی و نابرابری‌های سیاسی به‌عنوان عامل اثرگذار شناخته شده است، سرمایه‌های اقتصادی، انسانی و اجتماعی نیست؛ بلکه مزایای رقابتی دنیا در عرصه توسعه پایدار در ممالک مختلف جهان در حوزه سرمایه‌های فرهنگی معین و مشخص می‌شود (سپهرنیا، دلاور و صالحی امیری، ۱۳۹۴). کاربرد ابعاد مختلف سرمایه فرهنگی موجب تفاوت در نحوه زندگی و بروز سلیقه‌های گوناگون گردیده و به تبع آن تفاوت در کسب موقعیت‌های برتر اجتماعی و استفاده از امکانات مختلف موجب می‌شود. بر مبنای مقدمات مطرح شده و با توجه به اهمیتی که شهروندی و زنان برای هر کشوری دارند و همچنین با در نظر گرفتن اهمیت سرمایه فرهنگی در توسعه پایدار جامعه، مطالعه در مورد رابطه این نوع سرمایه با نگرش زنان به حقوق شهروندی خود لازم و ضروری به‌نظر می‌رسد.

دیوید تراسی معتقد است که سرمایه فرهنگی می‌تواند به دو شکل وجود داشته باشد: ۱- سرمایه فرهنگی ملموس ۲- سرمایه فرهنگی ناملموس (تراسی، ۱۳۸۲).

به باور تیلور^۱، سرمایه فرهنگی از مؤلفه‌های بسیاری تشکیل شده است، برای مثال در یک فرهنگ غربی شاخص‌های زیر جهت سرمایه فرهنگی مطرح می‌شود که مؤلفه‌هایی نازل به نظر می‌رسند: الف) دانش، زبان، سلاط و سبک‌های زندگی ب) آنچه به آن فرهنگ فرهیختگان می‌گویند. پ) شمار و دامنه فرهنگ واژگان افراد ت) توانایی افراد در شناخت و تشخیص غذاها و نوشیدنی‌های اشرافی ث) انتخاب بازی راگی به‌جای فوتبال (روحانی، ۱۳۸۸).

از نگاه مسعود چلبی (۱۳۸۲) در صورتی که دسترسی به سرمایه فرهنگی به‌صورت برابر باشد، سرمایه فرهنگی می‌تواند کارکردهایی نظیر: دسترسی اکثریت اعضای جامعه به منابع معرفتی، بسط خردگرایی در عرصه‌های مختلف زندگی، بالا بودن سطح مشارکت همگانی در تولیدات و خلاقیت‌های علمی و فرهنگی، سریع شدن تغییرات اجتماعی، گسترش دانش‌های نوین و گسترش گردش اطلاعات به‌صورت افقی و عمودی و رشد شخصیتی برای اکثریت افراد جامعه را در پی داشته باشد (پورزارعیان، ۱۳۸۵).

پارسونز^۲ شهروندی را نتیجه توسعه مدرنیته و دموکراتیک شدن جوامع می‌داند. او شهروندی را به سه مقوله کردار اجتماعی، عضویت اجتماعی و احساس انسجام اجتماعی پیوند می‌دهد و شهروندی را با این

1- Taylor
2- Parsons

نگرش زنان تهرانی به تغییر در آگاهی به حقوق شهروندی خود و رابطه آن با ...

سه مقوله کلیدی دارای نوعی احساس تعلق می‌داند که در نهایت به احساس انسجام اجتماعی منجر می‌شود (شیانی و داوودوند، ۱۳۸۹).

مارشال سه نوع حقوق را در ارتباط با رشد شهروندی تشخیص می‌دهد و می‌گوید:

۱- حقوق مدنی شامل: آزادی افراد برای زندگی در هر جایی است که انتخاب می‌کنند و شامل آزادی بیان و مذهب و حق مالکیت و حق دادرسی یکسان در برابر قانون است.

۲- حقوق سیاسی شامل: حق شرکت در انتخابات و انتخاب شدن است.

۳- حقوق اجتماعی: این حقوق به حق طبیعی هر فرد برای بهره‌مند شدن از یک حداقل استاندارد رفاه اقتصادی و امنیت مربوط می‌شود و این حقوق شامل حقوقی مانند: مزایای بهداشتی و درمانی، تأمین اجتماعی در صورت بیکاری و تعیین حداقل دستمزد است (خوئینی، ۱۳۸۶: ۱۹).

ژانوسکی^۱، حقوق شهروندی مورد نظر مارشال را بسط داده و حقوق مشارکتی را به تقسیم‌بندی حقوق شهروندی مارشال اضافه کرده است:

۱- بعد مدنی: این بعد، حقوق‌هایی مانند آزادی فردی، آزادی بیان، آزادی تفکر و دین، حق داشتن مالکیت، انعقاد قرارداد و حق دسترسی به دادگاه را در بر می‌گیرد.

۲- بعد سیاسی: حقوق سیاسی شهروندی از نظر مارشال عبارت است از حق مشارکت در روندهای سیاسی (حق شرکت در انتخابات و انتخاب شدن).

۳- بعد اجتماعی: منظور از عنصر اجتماعی طیف کاملی است از حق برخورداری از حداقل رفاه و امنیت گرفته تا حق سهیم شدن در تمامی میراث اجتماعی و زندگی کردن مطابق با استانداردهای رایج و غالب در جامعه به شیوه موجودی متمدن است. نهادهایی که بیشترین ارتباط را با این عنصر دارند، عبارتند از: نظام آموزشی و خدمات آموزشی (مارشال^۲؛ نقل از غیاثوند، ۱۳۸۳).

۴- بعد مشارکتی (اقتصادی): حقوق مشارکتی شامل تدوین حقوق در عرصه‌های خصوصی توسط دولت، خواه در بازار یا در سازمان‌های دولتی است. حقوق مشارکتی قدرت‌های عمل خصوصی است که توسط دولت تضمین می‌شود. این حقوق معطوف به حقوق افراد و گروه‌ها جهت مشارکت در تصمیم‌گیری‌های خصوصی از طریق داشتن کنترل نسبی بر بازار، سازمان‌ها و سرمایه می‌باشد (غیاثوند، ۱۳۸۳: ۳۸).

هابرماس^۳، حرکت جهان را به سمتی می‌داند که همه شهروندان باید به شکل دموکراتیک و فعال در آن ایفای نقش کنند. بنابراین، باید از حقوق خود آگاهی داشته باشند (انصاری، ۱۳۸۴: ۹۹). به عقیده وی حکومت نیز باید نقش اساسی در پرورش شهروندان آگاه و متعهد داشته باشد و زمینه را برای رشد کامل استعدادهای فردی فراهم کند. از این منظر رابطه مشارکت و آگاهی از حقوق شهروندی رابطه‌ای دوطرفه است. از یک طرف مشارکت سبب افزایش آگاهی شهروندان از حقوق خود می‌شود و از طرف دیگر

1- Janoski
2- Marshal
3- Habermas

آگاهی از حقوق شهروندی محرکی است برای افزایش مشارکت افراد در جامعه. این شرایط در تبدیل آن‌ها به انسان‌هایی بهتر و به تبع آن به شکل‌گیری جامعه‌ای رو به رشد کمک می‌کند. فالکس^۱ شهروندی را موقعیت عضویت می‌داند که شامل مجموعه‌ای از حقوق و وظایف و تعهدات است و بر برابری و عدالت و استقلال دلالت دارد. به باور وی جهان امروز به‌گونه‌ای فزاینده پسامدرن می‌شود. اجزای شهروندی در دوران پسامدرن شامل حقوق و مسئولیت‌ها و مشارکت سیاسی است و برای اداره امور انسان ضرورت دارد. وی در شهروندی پسامدرن خود اذعان می‌کند جذابیت شهروندی این است که ما را مجبور نمی‌کند یک هویت را به مثابه هویت ذاتی‌مان انتخاب کنیم. بلکه، ما را به روابط بدون محدودیت با دیگران تشویق می‌کند (فالکس، ۱۳۸۱: ۲۴).

فمینیست‌ها عمده‌ی بحث خود را بر سر تعریف مجدد از حقوق شهروندی متمرکز می‌کنند و دستیابی به شهروندی کامل را مستلزم حقوق فراتر از حقوق مدنی، سیاسی، و اجتماعی می‌دانند. اگرچه بخشی از مسأله طرد زنان از حقوق شهروندی به شرایط سیاسی مربوط می‌شود؛ اما در بسیاری از موارد به شرایط فرهنگی حاکم و پذیرش خود زنان مربوط می‌شود. حقوق جنسیتی بر محور حذف هرگونه تبعیض علیه زنان در ابعاد اجتماعی، مدنی، اقتصادی و سیاسی در نظر گرفته می‌شود. چنان که برخی از دیدگاه‌ها زنان را نیازمند برخورداری از حقوق ویژه در مقایسه با مردان می‌دانند که باید شناخته و به آنان اعطا شود (شیانی، ۱۳۸۱: ۴۱). بنابراین زنان برای اینکه به مثابه شهروندانی عامل زندگی کنند، باید آگاهی از حقوق شهروندی خود را معطوف به عملشان در تمام عرصه‌های (خصوصی - عمومی) زندگی کنند (شیانی و داوودوند، ۱۳۸۹).

بر اساس نظر مارشال حقوق شهروندی از مراحل می‌گذرد و جنسیت یک مرز داخلی ویژه را در آن تشکیل می‌دهد. موقعیت حقوقی زنان موضوع پیچیده و نامشابه با مردان است. آنان حداقل موقعیت شهروندی را به‌عنوان متعهدان آزاد به قانون دارا نیستند. به درجاتی تحت قیمومیت پدران و شوهران خود هستند و صرفاً بر زمین ارباب‌هایشان زندگی می‌کنند. بنابراین برای تحقق شهروندی، زنان باید موقعیت حقوقی خود را کسب کنند و از مزایا و امتیازات شهروندی با حذف دوگانگی‌ها بهره‌مند گردند (رابو^۲، ۱۹۹۶).

اعضای یک جامعه که از لحاظ فرهنگی در جامعه خود دارای صلاحیت‌هایی هستند و دارای شخصیت متنفذ و وجهه خوب در بین مردم خود هستند، این افراد در جامعه سرآمد و مورد توجه اقشار مختلف هستند. اگر این افراد به حقوق شهروندی دیگران احترامی قائل نباشند و آگاهی نسبت به این موضوع نداشته باشند و یا در رفتارهای اجتماعی خود احترام به حقوق شهروندی و ارزش‌گذاری نسبت به آن را دارای جایگاه نازلی بدانند، شاهد تأثیرات ناخوشایندی از لحاظ توجه و احترام به این حقوق خواهیم بود. در صورتی که افراد دارای سرمایه فرهنگی دارای نگرش‌های منفی نسبت به حقوق شهروندی باشند

1- Faulks

2- Rabo

نگرش زنان تهرانی به تغییر در آگاهی به حقوق شهروندی خود و رابطه آن با ...

و درک درستی از این موضوع نداشته باشند، به دلیل مورد توجه بودن این افراد شاهد گسترش نادیده گرفتن حقوق شهروندی خواهیم بود. اما چنانکه نگرش مثبتی به این حوزه داشته باشند، می‌توان تأثیرگذاری این نگرش را در گسترش احترام به حقوق شهروندی در جامعه دید و هر چه بیشتر شاهد برداشته شدن موانع از محیط زندگی و رسیدن به همه حقوقی که همه شهروندان در اجتماع ملی معینی دارا هستند، بود. همچنین در نگهداشت و التزام و پایبندی به این حقوق کمک خواهد کرد و در پی آن منجر به جامعه‌ای با افراد آگاه که توانایی تصمیم‌گیری منطقی و عادلانه، تفکر انتقادی، احترام به حقوق دیگران، پذیرش تنوع و تکثر در جامعه خواهد شد و شاهد آگاهی و شناخت کافی شهروندان از عناصر اصلی فرهنگ شهروندی و شهرنشینی و به‌ویژه حقوق و تکالیف شهروندی خواهیم بود. بدون تردید شهروندی ایده‌ای است که بی‌عدالتی‌های موجود را به چالش می‌کشد. امروزه در جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنیم نمونه‌هایی از این بی‌عدالتی‌ها بخصوص در حوزه حقوق مدنی و اجتماعی شاهد آن هستیم. نیاز مبرم به آگاهی بیشتر به این حوزه‌ها در جامعه احساس می‌شود و همچنین احترام به حقوق افراد در قانون لحاظ و مهمتر از آن اجرای آن در سطح جامعه می‌باشد. بهره‌مندی افراد از حداقل حقوق مدنی، سیاسی و اجتماعی بی‌تردید باید مورد توجه باشد و نقض آشکار این حقوق نتیجه‌ای جز بی‌اعتمادی و تنش نخواهد بود. رعایت حقوق شهروندی از سوی حکومت می‌تواند در جایگاه حاکمیت در بین مردم نیز نقش بسزایی داشته باشد و باعث افزایش مشروعیت یا کاهش آن شود. حقوق شهروندی در رابطه مردم و حاکمیت و ترقی و پیشرفت یک جامعه مؤثر خواهد بود و جوامعی که برای به‌دست آوردن این حقوق تلاش کرده‌اند، امروزه نسبت به دیگر جوامع که هنوز نتوانسته‌اند حداقل آن را کسب کنند از لحاظ مدنی، سیاسی و اجتماعی از جایگاه بالاتری هستند (وژوکی و حضرتی، ۱۳۹۱).

جدول (۱): برخی نظریه‌های مربوط به سرمایه فرهنگی

متغیرها	نظریه پردازان/محققان	تکات برجسته و مشخصه‌های اصلی نظریه/تحقیق	شاخص‌ها
سرمایه فرهنگی	پیر بوردیو (۱۹۸۶)	سرمایه فرهنگی، یعنی قدرت شناخت و قابلیت استفاده از کالاهای فرهنگی در هر فرد و آن دربرگیرنده‌ی تمایلات پایدار فرد است که در خلال اجتماعی شدن در فرد انباشته می‌شوند.	سرمایه فرهنگی تجسیدی یا ذهنی: فعالیت‌های فرهنگی و مطالعاتی و ...
جورج ریتزر (۱۳۷۴)	خاستگاه سرمایه فرهنگی را طبقه اجتماعی و تجارب آموزشی افراد می‌داند.	سرمایه فرهنگی عینی: کسب مدارک تحصیلی و دانشگاهی	سرمایه فرهنگی عینی: تجارب آموزشی
آشافنبرگ و ماس (۱۹۹۷)	ویژگی اصلی سرمایه فرهنگی را مهارت و آشنایی با کدهای فرهنگی و اعمال طبقات مسلط بیان می‌کنند.	سرمایه فرهنگی ذهنی و سرمایه فرهنگی عینی	سرمایه فرهنگی ذهنی و سرمایه فرهنگی عینی
شارع پور و خوشفر (۱۳۸۱)	رابطه‌ی سرمایه فرهنگی با هویت اجتماعی جوانان: مطالعه موردی شهر تهران	سرمایه فرهنگی تجسم یافته: (تمایلات و گرایشات روانی فرد)	سرمایه فرهنگی عینی: (میزان مصرف کالاهای فرهنگی)
یاماتو و برینتو (۲۰۱۰)	سرمایه فرهنگی در سیستم آموزشی شرق آسیا	سرمایه فرهنگی: (مدارک و مدارج تحصیلی و علمی فرهنگی)	سرمایه فرهنگی نهادی: (مدارک تحصیلی و علمی فرهنگی)
رایینز و گارنیر (۱۹۸۵)	بازتولید فرهنگی در میان زنان و مردان فرانسه: تئوری بازتولید فرهنگی در میدان خانه	سرمایه فرهنگی عینی (حضور اشیاء عتیقه و هنری - اطلس‌ها)	سرمایه فرهنگی عینی (حضور اشیاء عتیقه و هنری - اطلس‌ها)
		مدارک تحصیلی - شرکت در هنر - موسیقی و ادبیات - زبانشناسی و سبک تعامل	مدارک تحصیلی - شرکت در هنر - موسیقی و ادبیات - زبانشناسی و سبک تعامل

تغییرات اجتماعی - فرهنگی، سال هفدهم، شماره شصت و ششم، پاییز ۱۳۹۹

جدول (۲): برخی نظریه‌های مربوط به حقوق شهروندی

متغیرها	نظریه پردازان/محققان	تکات برجسته و مشخصه‌های اصلی نظریه/تحقیق	شاخص‌ها
حقوق شهروندی	پیتمان (۱۹۹۲)	حقوق شهروندی مبنایی اجتماعی برای تضمین و تأمین برخورداری یکسان اعضای جامعه از حقوق، امکانات، امتیازات و رفاه اجتماعی توسط دولت مدرن است.	۱- حقوق اجتماعی: برخورداری یکسان اعضای جامعه (زنان و مردان) از حقوق، امکانات، امتیازات و رفاه اجتماعی توسط دولت مدرن
تی. اچ. مارشال (۱۹۹۴)	به نظر مارشال، شهروند در رژیم‌های دموکرات با گذشت زمان رشد یافته و سرانجام سه وجه اساسی و مشخص پیدا می‌کند. او این سه وجه را مدنی، سیاسی، اجتماعی نامیده است.	۱- وجه مدنی: آزادی بیان - آزادی اندیشه‌ها - آزادی قلم و برخورداری از عدالت و ... ۲- وجه سیاسی: حق رأی - حق مشارکت در امور سیاسی جامعه و ... ۳- وجه اجتماعی: حق برخورداری از تأمین اجتماعی، امنیت اجتماعی، بهداشت و آموزش همگانی و ...	۱- وجه مدنی: آزادی بیان - آزادی اندیشه‌ها - آزادی قلم و برخورداری از عدالت و ... ۲- وجه سیاسی: حق رأی - حق مشارکت در امور سیاسی جامعه و ... ۳- وجه اجتماعی: حق برخورداری از تأمین اجتماعی، امنیت اجتماعی، بهداشت و آموزش همگانی و ...
برایان. اس. ترنر (۱۹۹۴)؛ به نقل از شیانی، (۱۳۸۱)	در حقوق شهروندی، حقوق اقتصادی و فرهنگی از اهمیت زیادی برخوردار است و در واقع حقوق شهروندی اجتماعی، رفاهی، سیاسی متکی بر شهروندی اقتصادی و فرهنگی است.	۱- حقوق اقتصادی: نیازهای اساسی به غذا و سلامتی و ... ۲- حقوق سیاسی: آزادیهای متعارف و حق بیان شهروندان و ... ۳- حقوق فرهنگی: امکان دسترسی همگانی شهروندان به رفاه و آموزش از سوی دولت	۱- حقوق اقتصادی: نیازهای اساسی به غذا و سلامتی و ... ۲- حقوق سیاسی: آزادیهای متعارف و حق بیان شهروندان و ... ۳- حقوق فرهنگی: امکان دسترسی همگانی شهروندان به رفاه و آموزش از سوی دولت
توماس ژانوسکی (۱۹۹۸)	شهروندی، عضویت فعال و منافع افراد در یک دولت - ملت با حقوق و تعهدات همگانی در یک سطح مشخص شده‌ای از برابری می‌باشد.	۱- حقوق مدنی: دسترسی به دادگاه - آزادی بیان - انتخاب شغل - حق سازمان دادن و ... ۲- حقوق سیاسی: حق رأی - حق انتخاب شدن - حق اقلیت‌ها - اعتراض و جنبش و ... ۳- حقوق اجتماعی: برخورداری از امنیت - برابری در فرصت - غرامت بیکاری - پرداخت حقوق ضایع شده و ... ۴- حقوق مشارکتی: مشارکت در سرمایه‌گذاری - مشارکت در سیاست اجتماعی و ...	۱- حقوق مدنی: دسترسی به دادگاه - آزادی بیان - انتخاب شغل - حق سازمان دادن و ... ۲- حقوق سیاسی: حق رأی - حق انتخاب شدن - حق اقلیت‌ها - اعتراض و جنبش و ... ۳- حقوق اجتماعی: برخورداری از امنیت - برابری در فرصت - غرامت بیکاری - پرداخت حقوق ضایع شده و ... ۴- حقوق مشارکتی: مشارکت در سرمایه‌گذاری - مشارکت در سیاست اجتماعی و ...

در تدوین چارچوب نظری تحقیق در خصوص متغیر سرمایه فرهنگی، تئوری بورديو و شارع‌پور مدنظر می‌باشد. به نظر بورديو سرمایه فرهنگی دارای سه بعد؛ سرمایه فرهنگی تجسدیافته (ذهنی) - سرمایه فرهنگی عینیت‌یافته - سرمایه فرهنگی نهادینه شده می‌باشد. هم‌چنین چارچوب نظری مربوط به حقوق شهروندی بر اساس مدل مارشال و ژانوسکی در سه نوع حقوق ۱- حقوق مدنی ۲- حقوق سیاسی و مشارکتی ۳- حقوق اجتماعی می‌باشد.

با توجه به چهارچوب نظری؛ مقاله حاضر به دنبال بررسی رابطه بین سرمایه فرهنگی با نگرش به حقوق شهروندی زنان تهران پرداخته شد. با توجه به اینکه طبق نظریه گیدنز و بورديو دارا بودن نگرش مثبت به حقوق شهروندی و رعایت آن توسط زنان در جامعه به عوامل متعددی وابسته است. اما یکی از مهمترین عواملی که می‌تواند در بهبود نگرش زنان نسبت به حقوق شهروندی تأثیرگذار باشد؛ توجه زنان به شاخص‌های سرمایه فرهنگی می‌باشد. با توجه به هجوم فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی نیز طبق نظریه هابرماس و کاستلز موجب گردیده زنان خود را مجاب نمایند که سطح علم و دانش و اطلاعات خود را بالا برده تا بتوانند در سطح جامعه و شغلی با مردان رقابت داشته باشند. در نتیجه شاخص‌های سرمایه فرهنگی با نگرش به حقوق شهروندی زنان در سطح جامعه می‌تواند رابطه داشته باشد. از سویی دیگر برخی از شاخص‌های سرمایه فرهنگی در تقدم و تأخر اثر بر نگرش به حقوق شهروندی قرار می‌گیرند که با شناسایی اثر هر یک از شاخص‌ها و اولویت‌بندی آن‌ها می‌توان به تفکیک؛ اثرهای هر یک را شناسایی نموده و نقاط قوت و ضعف هر یک را شناسایی و راهکار ارائه داد. با توجه به مباحث مطروح؛ فرضیه‌های پژوهش به صورت زیر تدوین شد:

نگرش زنان تهرانی به تغییر در آگاهی به حقوق شهروندی خود و رابطه آن با ...

- ۱- بین سرمایه فرهنگی و مؤلفه‌های آن با نگرش به حقوق شهروندی زنان رابطه وجود دارد.
- ۲- مؤلفه‌های سرمایه فرهنگی در تبیین نگرش به حقوق شهروندی زنان دارای اولویت می‌باشند.

روش

تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر ماهیت و شیوه جمع‌آوری اطلاعات از نوع همبستگی و تحلیلی است. جامعه آماری شامل زنان بالای ۱۸ سال در سال ۱۳۹۶ می‌باشد که با استفاده از فرمول کوکران و روش تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای از بین مناطق بیست‌ودوگانه شهر تهران از بین زنان ۳۸۴ نفر انتخاب شدند. به گونه‌ای که ابتدا از بین مناطق بیست‌ودوگانه؛ ۵ منطقه بالا، پایین، شرق، غرب و مرکز شهر به صورت تصادفی انتخاب؛ سپس از بین زنان ساکن در این مناطق ۸۰ نفر و در مجموع ۴۰۰ نفر مورد مطالعه قرار گرفتند که برخی از پرسشنامه‌ها به علت مخدوش بودن حذف و در نهایت با ۳۸۳ پرسشنامه صحیح؛ ادامه تحقیق انجام پذیرفت.

$$n = \frac{N \cdot Pq}{e^2} = \frac{384 \cdot 0.5 \cdot 0.5}{0.05^2} = 768$$

ابزار اندازه‌گیری به صورت محقق ساخته طراحی شد. پرسشنامه حقوق شهروندی برگرفته از نظر مارشال و عمدۀ مدل ژانوسکی عملیاتی شده است؛ با اندکی تغییرات که آگاهی - احساس و رفتار زنان به سه بعد: ۱- حقوق مدنی ۲- سیاسی و مشارکتی و ۳- اجتماعی مد نظر می‌باشد که به صورت طیف ۵ گزینه‌ای مقیاس فاصله‌ای لیکرت در ۶۰ سؤال مورد اندازه‌گیری قرار گرفت. نگرش به حقوق شهروندی توجه به سه مقوله مهم آگاهی - احساس و رفتار شهروندی می‌باشد. در نتیجه در هر یک از سه شاخص در نظر گرفته برای تعریف عملیاتی نگرش به حقوق شهروندی زنان؛ توجه به این سه مقوله در نظر گرفته شد که گویه‌ها و شاخص‌های آن طبق اطلاعات جدول (۳) طراحی شد.

جدول (۳): تعریف عملیاتی نگرش به حقوق شهروندی (حقوق مدنی - سیاسی و مشارکتی - اجتماعی)

متغیر	بعد	مفهوم (شاخص)	معرف	سطح سنجش	گویه‌های شماره
نگرش به حقوق شهروندی (۶۰ گویه)	حقوق مدنی (۳۶ گویه)	۱- آگاهی مدنی	میزان حقوقی که در بعد حقوق مدنی زنان بوده	فاصله‌ای	۱-۷
		۲- احساس مدنی	نشأت گرفته از نگرش مثبت یا منفی به این حقوق است.	فاصله‌ای	۱-۷
		۳- رفتار مدنی	میزان حقوقی که در بعد حقوق سیاسی و مشارکتی زنان بوده نشأت گرفته از نگرش مثبت یا منفی به این حقوق است.	فاصله‌ای	۱-۱۲
حقوق سیاسی و مشارکتی (۹ گویه)	۱- آگاهی سیاسی و مشارکتی	۱- آگاهی اجتماعی	میزان حقوقی که در بعد حقوق اجتماعی زنان بوده نشأت گرفته از نگرش مثبت یا منفی به این حقوق است.	فاصله‌ای	۱-۵
		۲- احساس سیاسی و مشارکتی	میزان حقوقی که در بعد حقوق اجتماعی زنان بوده نشأت گرفته از نگرش مثبت یا منفی به این حقوق است.	فاصله‌ای	۱-۲
		۳- رفتار سیاسی و مشارکتی	میزان حقوقی که در بعد حقوق اجتماعی زنان بوده نشأت گرفته از نگرش مثبت یا منفی به این حقوق است.	فاصله‌ای	۱-۲
حقوق اجتماعی (۲۵ گویه)	۱- آگاهی اجتماعی	۱- آگاهی اجتماعی	میزان حقوقی که در بعد حقوق اجتماعی زنان بوده نشأت گرفته از نگرش مثبت یا منفی به این حقوق است.	فاصله‌ای	۱-۱۱
		۲- احساس اجتماعی	میزان حقوقی که در بعد حقوق اجتماعی زنان بوده نشأت گرفته از نگرش مثبت یا منفی به این حقوق است.	فاصله‌ای	۱-۸
		۳- رفتار اجتماعی	میزان حقوقی که در بعد حقوق اجتماعی زنان بوده نشأت گرفته از نگرش مثبت یا منفی به این حقوق است.	فاصله‌ای	۱-۶

تدوین شاخص‌های متغیر سرمایه فرهنگی و عملیاتی کردن این متغیر در سه بعد؛ سرمایه فرهنگی تجسم یافته - عینیت یافته - نهادینه شده بر اساس پژوهش بوردیو (۱۹۸۶) و تحقیقات شارع پور و خوشفر (۱۳۸۱) می‌باشد. در این تحقیق از سه نوع سرمایه فرهنگی تجسد یافته - عینیت یافته و نهادینه شده در قالب پرسشنامه در مقیاس ۵ گزینه‌ای طیف لیکرت در ۳۲ گویه مطابق اطلاعات جدول (۴) سنجیده شد.

۱- سرمایه فرهنگی در حالت تجسد یافته که شامل: میزان خواندن کتاب‌ها، روزنامه، مجلات، نشریات، استفاده از اینترنت و آشنایی با زبان‌های خارجی می‌باشد. مثال؛ مهارت هنری (نقاشی و عکاسی) - مهارت فنی (کامپیوتر) - مهارت ورزشی - مهارت در زبان‌های خارجی - مهارت در زمینه موسیقی - آشنایی با شاعران و هنرمندان - آشنایی با دانشمندان و بزرگان عرصه علم - توانایی بیان (قدرت سخنرانی) - گنجینه لغات در ۱۳ گویه در پرسشنامه محقق ساخته در مقیاس ۵ گزینه طیف لیکرت طراحی و سنجیده شد.

۲- سرمایه فرهنگی در حالت عینیت یافته شامل: مالکیت مجموعه کالاهای فرهنگی مکتوب و کالاهای صوتی و تصویری و ابزارهای فرهنگی. این بعد با مؤلفه‌های نرم‌افزاری (کتاب، تابلوهای نقاشی، عضویت در کتابخانه) و رعایت نظم و وجود وسایل عتیقی و قدیمی در منزل و ... در ۱۱ گویه در پرسشنامه محقق ساخته در مقیاس ۵ گزینه طیف لیکرت طراحی و سنجیده شد.

۳- حالت نهادینه شده شامل: مجموعه مدارک تحصیلی، شرکت در کلاس‌های هنری، آموزشی، مذهبی و سمینارها می‌باشد. بعد نهادی با شاخص‌هایی همچون؛ مدارک تحصیلی و گواهینامه‌های معتبر فنی و حرفه‌ای و شرکت در محافل علمی، مذهبی، آشنایی و ... در ۸ گویه در پرسشنامه محقق ساخته در مقیاس ۵ گزینه طیف لیکرت طراحی و سنجیده شد.

جدول (۴): تعریف عملیاتی سرمایه فرهنگی (تجسد یافته، عینیت یافته، نهادینه شده)

مفهوم (شاخص)	معرف	سطح سنجش	گویه‌های شماره
۱- تجسد یافته (۱۳ گویه)	میزان سرمایه‌ای که در بعد تجسد یافته در زنان مشاهده می‌شود.	فاصله‌ای	۱-۱۳
۲- عینیت یافته (۱۱ گویه)	میزان سرمایه‌ای که در بعد عینیت یافته در زنان مشاهده می‌شود.	فاصله‌ای	۱-۱۱
۳- نهادینه شده (۸ گویه)	میزان سرمایه‌ای که در بعد نهادینه یافته در زنان مشاهده می‌شود.	فاصله‌ای	۱-۸

روایی سوالات مربوط به متغیرها در این پژوهش، ابتدا از طریق روش تعیین اعتبار محتوایی و با راهنمایی‌ها و نظرات صاحب‌نظران انجام گرفت. برای تعیین پایایی پرسشنامه تحقیق حاضر، از شاخص آلفای کرونباخ استفاده شد. ابتدا پرسشنامه‌ها در بین ۳۰ نفر از نمونه آماری به‌طور تصادفی توزیع گردید، سپس اطلاعات جمع‌آوری شده مورد آزمون قرار گرفته و با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای تک‌تک متغیرها و شاخص‌های آن‌ها بالای ۰/۷ به‌دست آمد. در نتیجه پرسشنامه دارای روایی و پایایی قابل قبولی می‌باشد. تجزیه و تحلیل داده‌ها نیز از روش میدانی با استفاده از نرم‌افزار آماری

نگرش زنان تهرانی به تغییر در آگاهی به حقوق شهروندی خود و رابطه آن با ...

SPSS نسخه‌ی ۲۱ انجام شده است، به گونه‌ای که از آزمون ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه جهت تبیین اثرات شاخص‌ها و در نهایت از نرم‌افزار آموس جهت برآزش مدل استفاده شده است.

یافته‌ها

۱- وضعیت نگرش به حقوق شهروندی زنان چگونه است؟

مطابق جدول (۵) ملاحظه می‌گردد که نمره میانگین وضعیت نگرش به حقوق شهروندی زنان ۱۶۳/۸۶ با انحراف استاندارد ۳۵/۵۲ و ضریب کجی ۰/۰۰۷- می‌باشد؛ به طوری که حداقل نمره ۸۹ و حداکثر آن ۲۷۱ می‌باشد. میزان نگرش به حقوق شهروندی زنان ۵۵٪ می‌باشد و در سطح مطلوبی نمی‌باشد.

جدول (۵): توزیع پراکندگی وضعیت نگرش به حقوق شهروندی زنان و ابعاد آن

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	ضریب کجی	حداقل	حداکثر	میزان (درصد)
نگرش به حقوق شهروندی زنان	۳۸۳	۱۶۳/۸۶	۳۵/۵۲	-۰/۰۰۷	۸۹	۲۷۱	۵۵

۲- میزان سرمایه فرهنگی و مولفه‌های آن در بین زنان چگونه است؟

بر اساس اطلاعات جدول (۶) ملاحظه می‌گردد که نمره میانگین سرمایه تجسد یافته زنان ۳۹/۷۵ با انحراف استاندارد ۱۱/۹۱ و چولگی ۰/۵۴- و به میزان ۶۱٪ می‌باشد؛ نمره میانگین وضعیت سرمایه عینیت یافته زنان ۳۳/۵۵ با انحراف استاندارد ۸/۴۳ و ضریب کجی ۰/۵- و به میزان ۶۱٪ می‌باشد؛ نمره میانگین وضعیت سرمایه نهادینه شده زنان ۲۱/۴۸ با انحراف استاندارد ۷/۰۶ و چولگی ۰/۱۶ و به میزان ۵۴٪ می‌باشد. در مجموع نمره میانگین وضعیت سرمایه فرهنگی زنان ۹۴/۷۹ با انحراف استاندارد ۲۵/۸۳ و ضریب کجی ۰/۴۴- و به میزان ۵۹٪ می‌باشد و در سطح بالای متوسط می‌باشد.

جدول (۶): توزیع پراکندگی وضعیت سرمایه فرهنگی زنان و ابعاد آن

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	ضریب کجی	حداقل	حداکثر	میزان (درصد)
سرمایه تجسد یافته	۳۸۳	۳۹/۷۵	۱۱/۹۱	-۰/۵۴	۱۴	۶۵	۶۱
سرمایه عینیت یافته	۳۸۳	۳۳/۵۵	۸/۴۳	-۰/۵	۱۳	۵۲	۶۱
سرمایه نهادینه شده	۳۸۳	۲۱/۴۸	۷/۰۶	۰/۱۶	۸	۴۰	۵۴
سرمایه فرهنگی زنان	۳۸۳	۹۴/۷۹	۲۵/۸۳	-۰/۴۴	۳۹	۱۵۴	۵۹

۳- بین سرمایه فرهنگی و مؤلفه‌های آن با نگرش به حقوق شهروندی زنان رابطه

وجود دارد.

نتایج حاصل از آزمون ضریب همبستگی پیرسون در جدول (۷) نشان می‌دهد بین سرمایه فرهنگی و مؤلفه‌های آن با نگرش به حقوق شهروندی زنان با شدت‌های مختلف؛ رابطه معنی‌داری وجود دارد.

جدول (۷): همبستگی بین نگرش به حقوق شهروندی زنان و ابعاد آن با سرمایه فرهنگی

نگرش به حقوق شهروندی زنان				متغیر
R'	P	R	N	
۰/۲۰	۰/۰۰۰	۰/۴۵	۳۸۳	سرمایه تجسد یافته
۰/۲۴	۰/۰۰۰	۰/۴۹	۳۸۳	سرمایه عینیت یافته
۰/۱۰	۰/۰۰۰	۰/۳۲	۳۸۳	سرمایه نهادینه شده
۰/۲۱	۰/۰۰۰	۰/۴۵	۳۸۳	سرمایه فرهنگی

۴- مؤلفه‌های سرمایه فرهنگی در تبیین نگرش به حقوق شهروندی زنان دارای اولویت می‌باشند.

برای دستیابی به تبیین نگرش به حقوق شهروندی زنان مورد مطالعه از روی مجموع مؤلفه‌های سه‌گانه سرمایه فرهنگی (سرمایه فرهنگی تجسد یافته، عینیت یافته، نهادینه شده) از رگرسیون چندگانه به روش اینتر^۱ استفاده شد که در نهایت طبق اطلاعات جدول شماره (۸) در مجموع ضریب همبستگی چندگانه با نگرش به حقوق شهروندی زنان، برابر $R = 0/52$ و ضریب تعیین برابر $R^2 = 0/273$ و ضریب تعیین خالص برابر $R^2 = 0/27$ به دست آمده است، یعنی در مجموع مؤلفه‌های سه‌گانه سرمایه فرهنگی ۲۷٪ نگرش به حقوق شهروندی آن‌ها را تبیین می‌کند و ۷۳٪ آن خارج از موضوع تحقیق می‌باشد و تبیین نشده باقی ماند.

جدول (۸): ضریب همبستگی چندگانه برای پیش بینی نگرش به حقوق شهروندی زنان از روی مؤلفه‌های سرمایه فرهنگی

شکل	ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تبیین	ضریب تبیین خالص
۱	۰/۵۲	۰/۲۷۳	۰/۲۷

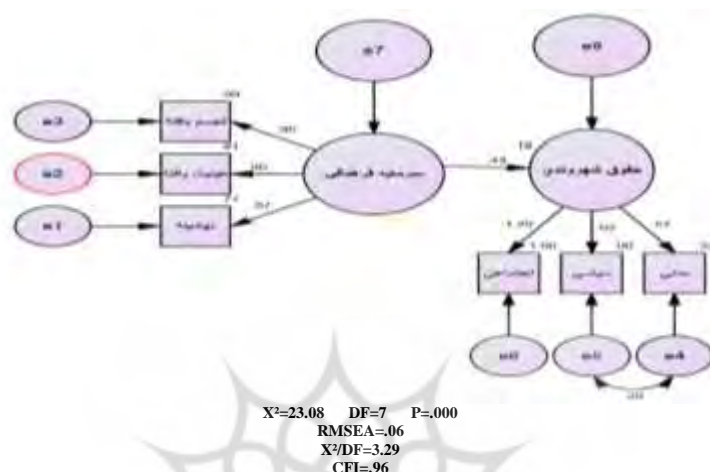
هم‌چنین برای اولویت‌بندی تأثیر هر یک از مؤلفه‌های سه‌گانه سرمایه فرهنگی در نگرش به حقوق شهروندی زنان مورد مطالعه؛ طبق اطلاعات جدول شماره (۹) و با توجه به ضرایب بتای استاندارد نشده ملاحظه می‌شود که مقدار ثابت (δ) برابر ۶۸۹۲ و سرمایه تجسد یافته با بتای $\mathcal{E} = 0/861$ و سرمایه عینیت یافته با بتای $\mathcal{E} = 2/12$ و سرمایه نهادینه شده با بتای $\mathcal{E} = -1/60$ تأثیر معنی‌داری در تبیین نگرش به حقوق شهروندی زنان دارند ($p < 0/05$) که با حذف مقدار ثابت آلفا (δ) از طریق استاندارد کردن مقادیر متغیر تبیین‌کننده، سرمایه تجسد یافته با بتای $0/289$ و سرمایه عینیت یافته با بتای $0/505$ و سرمایه نهادینه شده با بتای $\mathcal{E} = -0/316$ تأثیر معنی‌داری در تبیین نگرش به حقوق شهروندی زنان دارند. در نتیجه سرمایه عینیت یافته در اولویت اول؛ سرمایه نهادینه شده در اولویت دوم و سرمایه تجسد یافته در اولویت سوم در تبیین نگرش به حقوق شهروندی زنان تأثیر دارند ($p < 0/05$).

جدول (۹): ضرایب متغیرهای رگرسیونی به روش اینتر

Sig.	T	ضرایب استاندارد شده		B	متغیرهای پیش‌بینی‌کننده
		Beta	Std.Error		
۰/۰۰۰	۱۴/۵۴		۶/۳۷	۹۲/۶۸	مقدار ثابت
۰/۰۰۲	۳/۰۷	۰/۲۸۹	۰/۲۸	۰/۸۶۱	سرمایه تجسد یافته
۰/۰۰۰	۵/۸۷	۰/۵۰۵	۰/۳۶۲	۲/۱۲	سرمایه عینیت یافته
۰/۰۰۰	۳/۸۷	-۰/۳۱۶	۰/۴۱۴	-۱/۶۰	سرمایه نهادینه شده

نگرش زنان تهرانی به تغییر در آگاهی به حقوق شهروندی خود و رابطه آن با ...

در ادامه برای آزمون و برازش مدل نظری تحقیق از نرم‌افزار آموس بهره گرفته شد و در نهایت در شکل (۱) مدل تجربی ساختاری روابط بین سرمایه فرهنگی و حقوق شهروندی زنان تدوین شد.



شکل (۱): مدل تجربی ساختاری روابط بین سرمایه فرهنگی و حقوق شهروندی زنان

جهت تعیین برازندگی الگوی پیشنهادی با داده‌ها، ترکیبی از شاخص‌های برازندگی به شرح زیر مورد استفاده قرار گرفت: ۱- مقدار مجذور کای (X^2) ۲- شاخص هنجار شده مجذور کای (X^2/df) ۳- شاخص برازندگی هنجار شده (NFI) ۴- شاخص برازش تطبیقی (CFI) ۵- جذر میانگین مجذورات خطای تقریب RMSEA.

قبل از بررسی ضرایب مسیر، برازندگی الگوی اصلی بررسی شد. شاخص‌های نکویی برازش به دست آمده برای مدل پژوهش نشان می‌دهد، که مقدار کای دو در مدل $X^2=23/08$ با درجه آزادی $DF=7$ است. شاخص برازش مدل CFI برابر $0/96$ نمایانگر برازش خوب مدل می‌باشد و ریشه میانگین مربعات خطای برآورد RMSEA برابر $0/06$ شد که برازش خوبی را نشان می‌دهد و با توجه به شاخص‌های ارائه شده مدل فوق تأیید می‌شود. چرا که مقادیر کمتر از $0/08$ به معنای برازش خوب؛ $0/08$ تا $0/10$ برازش متوسط و مقادیر بیش از $0/10$ برازش ضعیف است.

جدول (۱۰): شاخص‌های برازش مربوط به تحلیل مدل پیشنهادی

مدل	χ^2	Df	df/ χ^2	GFI	AGFI	NFI	TLI	CFI	RMSEA
پیشنهادی	۰۸/۲۳	۷	۳/۲۹	۹۵/۰	۹۰/۰	۹۴/۰	۹۰/۰	۹۶/۰	۰۶/۰

بحث و نتیجه‌گیری

تحقیق حاضر با هدف تغییر در آگاهی زنان به حقوق شهروندی و تبیین نگرش به حقوق شهروندی زنان شهر تهران از روی سرمایه فرهنگی در سال ۱۳۹۶ انجام پذیرفت. نتیجه تحقیق نشان داد آگاهی زنان از حقوق شهروندی‌اشان در سطح متوسط و برابر ۵۵٪ می باشد. نتیجه حاصل از رگرسیون چندگانه نشان داد که در مجموع شاخص‌های سه‌گانه سرمایه فرهنگی به میزان ۲۷ درصد نگرش به حقوق شهروندی زنان شهر تهران را تبیین می‌کنند که سرمایه عینیت‌یافته با بتای $\beta = 0/505$ تأثیرگذارترین مؤلفه و پس از آن مؤلفه نهادینه شده با بتای $\beta = 0/319$ تأثیرگذارتر و مؤلفه تجسدیافته با بتای $\beta = 0/289$ کم‌اثرترین مؤلفه در تبیین نگرش به حقوق شهروندی زنان بودند. برازش مدل تبیین‌شده نیز نشان از تأیید مدل تبیین شده بود. با توجه به اینکه آگاهی زنان به تغییر اجتماعی حاصل شده در جامعه و حقوق شهروندیشان در سطح متوسط می‌باشد؛ در نتیجه هنوز هم با سطح مطلوب فاصله بسیاری مانده تا زنان نسبت به حقوق شهروندی خود آگاهی و بهره‌مند گردند. بنابراین جهت بالا بردن سطح آگاهی زنان در جامعه نسبت به تغییر نگرش در بهره‌مندی از حقوق شهروندیشان شایسته است ابتدا به ابعاد حقوق شهروندی و میزان استفاده هر یک توسط زنان در جامعه مورد توجه قرار گیرد. نتایج این پژوهش با اکثر پژوهش‌های پیشین هم‌راستا می‌باشد. در همین زمینه محبوبی شریعت پناهی و همکارانش (۱۳۹۸) در بررسی حقوق شهروندی اجتماعی زنان در برنامه ۵ ساله توسعه، نشان دادند میزان توجه به مقوله شهروندی اجتماعی زنان به میزان اندک می‌باشد. ابعاد اقتصادی و رفاهی بیشتر از ابعاد اجتماعی شهروندی زنان مد نظر برنامه‌ریزان قرار گرفته است که این خلأ باید پر شود. همچنین لطفی و همکاران (۱۳۹۹) نشان دادند اگرچه تدوین و ابلاغ منشور حقوق شهروندی تحولی مثبت به شمار می‌رود، اما برخی موارد در تضاد کامل با قوانین هستند.

عدم مکانیسم آموزش حقوق شهروندی بالأخص برای زنان و فقدان ضمانت اجرایی لازم و توجه کم‌تر به حقوق زنان از مهم‌ترین چالش‌های منشور حقوق شهروندی است. رضاپور و همکاران (۱۳۹۸) نیز نشان دادند بین متغیرهای حقوق اجتماعی و مشارکت اجتماعی با متغیر آگاهی از حقوق شهروندی رابطه معنی‌داری وجود دارد. در حقیقت برای بالا بردن آگاهی زنان به حقوق شهروندی خویش؛ لازم است در برنامه‌ریزی‌های خرد و کلان به مقوله اجتماعی حقوق شهروندی زنان توجه بیش‌تری مبذول گردد. چرا که زنان به عنوان نیمی از افراد جامعه لازم است در مسائل مهم فرهنگی - اجتماعی و مشارکتی پایه‌پای مردان قدم بردارند. این مهم زمانی ممکن می‌گردد که در جامعه سراسر مردسالار به این مسأله توجه ویژه‌ای بشود. جامعه مردسالار بر نمی‌تابد که زنان در فعالیت‌های جمعی و مشارکت‌های اجتماعی، سیاسی و مدنی حضوری پررنگ داشته باشند. در نتیجه علی‌رغم آگاهی زنان به این مقوله؛ نگرش آن‌ها نسبت به حقوق شهروندی هنوز بیگانه است. اما برای بالا بردن نگرش زنان نسبت به حقوق شهروندی خویش بالأخص در حوزه اجتماعی و فرهنگی؛ توجه به مصادیق سرمایه فرهنگی می‌تواند

نگرش زنان تهرانی به تغییر در آگاهی به حقوق شهروندی خود و رابطه آن با ...

راهگشا باشد. از نظر اشینکل و نوردگراف (۲۰۱۱) سرمایه فرهنگی به رسمیت شناختنشان اجتماعی است که در هیچ زمینه اجتماعی غیرعادی نیست و آن نوعی از سرمایه است که به طرز بی‌شماری به رسمیت شناخته شده و مشروعیت یافته است. در همین زمینه اورتیز - رودریگز و پیلا (۲۰۱۸) در مطالعه خود نشان دادند سطح تحصیلات و تأثیر آموزش‌های فرهنگی؛ نگرش افراد را نسبت به کسب حقوق برابر تغییر می‌دهد. نتایج مطالعه زارع و روغنیان (۱۳۹۶) در بررسی نقش سرمایه فرهنگی بر فرهنگ حقوق شهروندی حاکی از آن بود که سرمایه فرهنگی تجسم‌یافته و عینیت‌یافته نقش مؤثری بر میزان فرهنگ حقوق شهروندی زنان داشته‌اند. ریتزر (۱۳۸۹) بر این باور است که سرمایه فرهنگی از شرافت و وجهه شخص نشأت می‌گیرد. از دیدگاه فکوهی (۱۳۸۴) سرمایه فرهنگی به دلیل موقعیت‌های کاریزما تیک و یا با تکیه بر نمادها و قدرت‌های پیش‌زمینه‌ای برای نمونه نهادها، سازمان‌ها، دین، قومیت و ... برای فرد ایجاد می‌شود. وینینگر و لارن (۲۰۰۷) در نظریات خود اذعان داشته‌اند که طبق نظریه بوردیو، علاوه بر عوامل اقتصادی، منش فرهنگی که فرد از خانواده به ارث می‌برد، عامل مهمی در موفقیت‌ها و پیشرفت‌های گوناگون است. زیرا منش و خصلت‌های فرهنگی در بردارنده منابعی هستند که می‌تواند سودهای زیادی به همراه داشته باشد. نتایج تحقیق آرون (۲۰۱۲) نیز نشان داد که سرمایه فرهنگی به‌عنوان متغیر تأثیرگذار در زمینه دستیابی به عدالت اجتماعی و احقاق حقوق شهروندان شناسایی شده است.

براساس مباحث فوق و با توجه به نتایج حاصل؛ می‌توان با این دیدگاه تحلیل نمود که در جامعه هر آنچه که افراد می‌دانند و یا می‌توانند انجام دهند. در واقع، بیانگر توانمندی‌ها و قابلیت‌های بالقوه آن‌هاست. از سویی، افراد براساس دانسته‌ها و الگوهای ذهنی خود به داشتن منابع، احساس نیاز پیدا می‌کنند و بدیهی است که برای به‌دست آوردن آن منابع تلاش می‌کنند. زنان نیز با توجه به جایگاهی که در جامعه امروز از نظر فرهنگی و سطح تحصیلات و وجه اجتماعی دارا هستند؛ سعی در دستیابی به حقوق شهروندی خویش دارند و با توجه به حقوق اجتماعی، حقوق مدنی و حقوق سیاسی و مشارکتی که قانون برای آنان وضع کرده؛ در صدد بهره‌مندی از آن‌ها در زندگی فردی و اجتماعی خویش هستند. اما علی‌رغم دستیابی به استقلال در هویت‌یابی و رفاه در جامعه؛ هنوز هم زیر یوغ ساختار خشک مردسالاری مانده و تا حدودی از دستیابی به حقوق شهروندی خاص خود بالأخص در نگرش به حقوق سیاسی و مشارکتی و همچنین حقوق اجتماعی محروم‌اند. در نتیجه علی‌رغم بالا رفتن سطح معلومات و تحصیلات خود؛ نگرش منفی نسبت به حقوق شهروندی خویش پیدا کرده‌اند. اما سرمایه فرهنگی در ابعاد عینیت‌یافته و به میزان کمتری در بعد تجسدیافته؛ تا حدودی در نگرش زنان به حقوق شهروندی آن‌ها تأثیر مثبت داشته است. در نتیجه سرمایه فرهنگی به مثابه ذخیره‌ای از دانش، مهارت‌ها، صلاحیت‌ها و خلاقیت‌های فرهنگی ابزار مهمی است که از طریق آن، تولید بازنمایی و بازتولید نابرابری‌های اجتماعی شکل می‌گیرد. با توجه به اینکه میزان تبیین نگرش به حقوق شهروندی زنان ۲۷ درصد بوده و در واقع

میزان چشمگیری نمی‌باشد. در واقع این میزان از رابطه نیز به سطح فرهنگ کسب شده زنان در پی ادامه تحصیل و کسب هویت جدید پس از تکنولوژی و فناوری اطلاعات و ارتباطات در سراسر دنیا و نهایتاً آگاهی‌های علمی زنان و تلاش آن‌ها برای کسب کرسی‌های مهم مدیریتی و شغلی در کنار مردان هستیم که در ظاهر مردان و جامعه و نظام با زنان همکاری و همیاری می‌کنند، اما در عمل زنان مورد حمایت مردان و کسب سمت‌های مهم مدیریتی و سیاسی و فرهنگی و اجتماعی قرار نگرفته‌اند و به‌گونه‌ای علی‌رغم دارا بودن سرمایه فرهنگی، به‌گونه‌ای فاصله نقش پیدا کرده و نتوانسته‌اند آنچنانکه باید؛ نگرش مثبتی به حقوق شهروندی و حقوق مدنی و حقوق اجتماعی و حقوق سیاسی و مشارکتی خویش داشته باشند.

با توجه به نتایج حاصل از تحقیق حاضر و وضعیت متوسط نگرش زنان به حقوق شهروندی‌شان پیشنهاد می‌شود؛ روش‌های آشنایی زنان به حقوق شهروندی خویش در ابعاد مدنی، اجتماعی، سیاسی و مشارکتی از طریق برنامه‌ریزی‌های دولتی و با همکاری رسانه‌ها و تبلیغات رسانه‌ای و همچنین برگزاری سمینارها و میزگردها مهیا گردد. زیرا تا زنان نسبت به حقوق شهروندی خویش آگاهی کامل نداشته باشند؛ نمی‌توانند احساس و رفتار مرتبط با حقوق شهروندی داشته باشند.

از آنجا که رابطه سرمایه فرهنگی و ابعاد آن با نگرش به حقوق شهروندی زنان به میزان متوسط تایید شد، لذا پیشنهاد می‌شود؛ جهت افزایش سرمایه‌های فرهنگی از طریق فعالیت‌های آموزشی، هنری و فرهنگی و ایجاد امکانات مناسب برای گسترش فعالیت‌های مشارکتی شهروندان زن در راستای تحقق اهداف شهروندی گام برداشت. همچنین با آموزش انواع مهارت‌های فرهنگی و اجتماعی می‌توان از ظرفیت‌ها و استعدادها بالقوه زنان در مدیریت و خدمات شهری بهره جست. با این فعالیت‌ها می‌توان احساس شهروندی را در زنان تقویت نمود. با تشویق و ترغیب زنان شاغل و خانه‌دار به عضویت در تشکل‌ها و NGOهای مختلف می‌توان عرصه را برای مشارکت بیش‌تر که آگاهی اجتماعی را نیز به دنبال دارد، افزایش بخشید.

باید در ترغیب زنان به مشارکت در تشکل‌های اجتماعی و فرهنگی تلاش بیش‌تری نمود. این امر با کمک نهادهای آموزش و پرورش، صدا و سیما، فرهنگ و ارشاد، شهرداری‌ها و سرای محله‌ها می‌تواند قابل تحقق باشد. از سویی دیگر؛ با توجه به اینکه در عصر جهانی‌شدن، گسترش رسانه‌های جمعی و اجتماعی، الگوهای متنوع شبکه‌های اجتماعی و در نتیجه گستردگی تعاملات اجتماعی را به همراه آورده است بنابراین برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران فرهنگی و اجتماعی به نقش رسانه‌های جمعی و اجتماعی نوین که بی‌شک اطلاع‌رسانی و آگاهی‌بخشی به طیف وسیعی از جامعه را در زمینه گستره اطلاعات و دانش می‌تواند انجام دهد، در برنامه‌ریزی و آینده‌نگری جامعه توجه جدی داشته باشند.

در نهایت پیشنهاد می‌شود با استخدام زنان بر اساس توانایی‌ها و تحصیلات و بهره‌گیری از استعدادها و مهارت‌های فردی و تخصصیشان در سمت‌های بالادستی سازمان نگرششان را نسبت به

نگرش زنان تهرانی به تغییر در آگاهی به حقوق شهروندی خود و رابطه آن با ...

حقوق تعیین شده‌شان مثبت کرده و از توانایی‌ها و تجارب آن‌ها در امور مهم تصمیم‌گیری‌های سازمانی بهره گیرند.

منابع

- انصاری، منصور. (۱۳۸۴). دموکراسی گفتگویی. تهران: نشر مرکز.
- بایگانی، بهمن؛ کاظمی، علی. (۱۳۸۹). مبانی تئوریک مفهوم سرمایه فرهنگی. فصلنامه مطالعات فرهنگی، دانشگاه تهران: برگ فرهنگ، شماره ۲۱.
- پورزارعیان، ناصر. (۱۳۸۵). بررسی وضعیت اقتصادی و فرهنگی خانواده‌های جوانان در میزان سرمایه فرهنگی و اجتماعی آنان (مطالعه موردی شهر تبریز). پایان‌نامه، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی، صص ۵۱-۵۳.
- تراسبی، دیوید. (۱۳۸۲). اقتصاد و فرهنگ. ترجمه‌ی کاظم فرهادی، تهران: نشر نی، چاپ اول.
- خوئینی، غفور. (۱۳۸۶). حقوق شهروندی و توسعه پایدار. تهران: نشر فرهنگ صبا.
- ذکایی، محمدسعید. (۱۳۸۱). اخلاق شهروندی. نامه انجمن جامعه‌شناسی، شماره ۵.
- ذکایی، محمدسعید. (۱۳۹۴). نابرابری سرمایه‌های فرهنگی در شهر تهران: فصلنامه تحقیقات فرهنگی ایران، ۸ (۴)، صص ۱۹۶-۱۶۹.
- رضاپور، داریوش؛ گلستانی، علیرضا؛ غلامی، محمد و سعادت‌پور، حسن. (۱۳۹۸). عوامل مؤثر بر آگاهی شهروندان از مفهوم حقوق شهروندی. فصلنامه علمی - تخصصی دانشگاه فرهنگیان، پژوهش در آموزش مطالعات اجتماعی، ۱ (۲)، زمستان ۱۳۹۸، صص ۶۷-۴۷.
- روحانی، حسن. (۱۳۸۸). درآمدی بر نظریه سرمایه فرهنگی. فصلنامه راهبرد، سال هجدهم، شماره ۵۳، زمستان ۱۳۸۸، صص ۳۵-۷.
- ریتزر، جورج. (۱۳۸۹). مبانی نظریه جامعه‌شناختی معاصر و ریشه‌های کلاسیک آن. ترجمه‌ی شهناز مسمی‌پرست. تهران: نشر ثالث، چاپ اول.
- زارع، بیژن و روغنیان، زهره. (۱۳۹۶). بررسی مفهوم سرمایه فرهنگی و نقش آن در ارتقاء فرهنگ حقوق شهروندی. فصلنامه ایرانی جامعه‌شناسی آموزشی، ۱ (۱۰)، صص ۶۴-۵۰.
- سپهرنیا، زینتا؛ دلاور، علی و صالحی امیری، سیدرضا. (۱۳۹۴). رابطه آموزش با ارتقاء سرمایه فرهنگی در ایران. فصلنامه روانشناسی تربیتی، شماره ۳۸، سال ۱۱، زمستان ۹۴.
- سعادت، موسی؛ عباس‌زاده، محمد و حاتمی، رقیه. (۱۳۹۲). بررسی رابطه سرمایه فرهنگی، سرمایه اجتماعی و پرخاشگری. فصلنامه دانش انتظامی آذربایجان شرقی، سال سوم، شماره اول، پیاپی ۸، بهار ۱۳۹۲.

- شارع‌پور، محمود و غلامرضا، خوشفر. (۱۳۸۱). رابطه سرمایه فرهنگی با هویت جوانان: مطالعه موردی شهر تهران. نامه علوم اجتماعی، شماره ۲۰.
- شیانی، ملیحه و داودوند، طاهره. (۱۳۸۹). تحلیلی بر میزان آگاهی از حقوق شهروندان در میان دانشجویان. مجله برنامه‌ریزی و توسعه اجتماعی، شماره ۵، زمستان ۱۳۸۹، صص ۶۰-۳۵.
- شیانی، ملیحه. (۱۳۸۴). شهروندی و مشارکت در نظام جامع رفاه و تأمین اجتماعی. فصلنامه حقوق و تأمین اجتماعی، سال اول، شماره یک.
- شیانی، ملیحه. (۱۳۸۱). تحلیلی جامعه‌شناختی از وضعیت شهروندی در لرستان. مجله جامعه‌شناسی ایران، ۴ (۳)، ص ۷۹.
- عباس‌زاده، محمد و همکاران. (۱۳۹۱). بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر سبک زندگی خود مراقبتی شهروندان. مطالعات توسعه‌ی اجتماعی - فرهنگی، ۱ (۱)، صص ۱۴۱-۱۱۹.
- غیاثوند، الهه. (۱۳۸۳). بررسی موانع برخورداری زنان از حقوق اجتماعی شهروندی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.
- فالکس، کیث. (۱۳۸۱). شهروندی. ترجمه‌ی محمدتقی دلفروز، تهران: انتشارات کویر.
- فرجی، لیلا و فعلی، جواد. (۱۳۸۹). بررسی تأثیر سرمایه‌های اجتماعی و فرهنگی بر میزان مشارکت زنان در سازمان‌های غیردولتی (NGOs). فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۴، صص ۱۹۷-۱۶۷.
- فکوهی، ناصر. (۱۳۸۴). پیر بردیو: پرسمان دانش و روشنفکری. مجله علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد، ۵، صص ۱۶۱-۱۴۱.
- لطفی، توکل؛ ابراهیمیان، حجت‌اله و رنجبر، مقصود. (۱۳۹۹). منصور حقوق شهروندی و چالش‌های حقوق شهروندی زنان در ایران. مجله اخلاق زیستی، ویژه‌نامه اخلاق زیستی و حقوق شهروندی، صص ۱۱۷-۱۰۵.
- محبوبی شریعت پناهی، نسیم‌السادات؛ رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا؛ فرجیها، محمد و فلاحتی، لیلا. (۱۳۹۸). تحلیل محتوایی حقوق شهروندی اجتماعی زنان در برنامه‌های پنج ساله توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهشنامه زنان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال دهم، ۲، تابستان ۱۳۹۸، صص ۱۷۱-۱۴۳.
- نوروزی، فیض‌اله و گلپور، منا. (۱۳۹۰). بررسی میزان احساس برخورداری زنان از حقوق شهروندی و عوامل مؤثر بر آن. فصلنامه راهبرد، سال ۲۰، شماره ۵۹، صص ۱۹۰-۱۶۷.
- نوغانی، محسن. (۱۳۸۳). آموزش و پرورش و بازتولید فرهنگی. رشد علوم اجتماعی، دوره جدید، شماره ۳.

نگرش زنان تهرانی به تغییر در آگاهی به حقوق شهروندی خود و رابطه آن با ...

- نیازی، محسن و کارکنان، محمد. (۱۳۸۶). تبیین جامعه‌شناختی رابطه سرمایه فرهنگی خانواده با هویت اجتماعی جوانان. مطالعات ملی، سال هشتم، شماره ۳.
- یزدخواستی، بهجت؛ حاجیلو، فتانه و علیزاده اقدم، محمدباقر. (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین سرمایه فرهنگی بوم‌شناختی با ردپای بوم‌شناختی مورد مطالعه: شهروندان تبریز. فصلنامه اخلاق زیستی، سال سوم، شماره هشتم، تابستان ۱۳۹۲.
- وثوقی، منصور و حضرتی، ابراهیم. (۱۳۹۱). بررسی جامعه‌شناختی رابطه سرمایه نمادین و نگرش به حقوق شهروندی (مطالعه موردی شهر تبریز). مطالعات جامعه‌شناختی، سال چهارم، شماره چهاردهم، بهار ۹۱، صص ۱۵۷-۱۴۱.
- Arun, O. (2012). Cultivated citizens? Cultural capital, class, gender and generations in contemporary Turkey. *METU Studies in Development*, 39 (December). Pp: 283-302.
- Bourdieu, Pitter (1986). The Form of Capital, pp. 241-58 in J. G. Richardson (ed), *Handbook of Theory and Research for the Sociology of Education*, Greenwood Press, New York.
- Jeannotte, A. Sh. (2003). Singing alone? The contribution of cultural capital to social cohesion and sustainable communities. *The international journal of cultural Policy*, 2003 Vol. 9 (1), pp. 35-49.
- Ortiz- Rodriguez, J. & Pillai, V. (2018). The effect of community size on women`s attitudes toward gender equality. *Iberoamericana - Nordic Journal of Latin American and Caribbean Studies*, 47(1), 24-33.
- Pacione, M (1982). The use of objective and subjective measures of quality of life in human geography. *Prog. Hum. Geogr.*, V: 6, N: 4, 495-514.
- Rabo, A. (1996). Gender, State and civil society in Jordan and Syria, in c. hank and E Dunn, *challenging western Model*. London; Rutledge.
- Research and Advocacy Unit. (2015). *Citizenship, active citizenship & social capital in Zimbabwe: A statistical study*. May 2015.
- Schinkel, W. Noordegraaf, M. (2011). Professionalism as Symbolic Capital: Materials for Bourdieusian Theory of Professionalism. *Comparative Sociology*, 10, 67-96.
- Tramonte, L. & Willms, D. (2009). *Cultural capital and its effects on education outcomes*, university of new Brunswick, Canada.
- Weininger, E. & Lareau, A. (2007). *Cultural Capital and Education*, In the *Encyclopedia of Sociology*. Edited by George Ritzer, Oxford: Blackwell.
- Woodman, S. (2017). Legitimizing exclusion and inclusion: 'culture', education and entitlement to local urban citizenship in Tianjin and Lanzhou. *Citizenship Studies*, 21(7), 755-772.